



واقعیت... بقیه از ۱ که در شرق تهران و در تهران یارس قرار ارد و روستائیان که در آنجا زندگی میکنند از هکدهای بهمین نام که در چند کیلومتری جاده ساری- بهشهر قرار ارد گرفته اند.

زیرا آنجا تکیه زمینهای هکده آنها از موقعیت ممتازی برخوردار بود و شاه بزرگ آنجا را تصف کرد و پس از کشتن چند پهن روستائی بقیه را بفرار از آنجا رانده است و اکنون مزرعه کاملاً مکتوم است به وسعت بیش از ۱۰۰ کیلومتر مربع در آنجا احداث کرده است که روز بروز بر وسعت آن افزوده میشود. جاده سازی و تأمین برق و آب و کشت و نیکداری زمینهای آنجا بوسیله وزارتخانه های راه و نیرو و کشاورزی تأمین میشود.

از نظر بهداشت و آلودگی زمینها در بدترین شرایط مسکن زندگی میکنند! مثلاً برای شستن ظروف و لباس خود از آب جوی خیابان محل سکونت خود استفاده میکنند. معمولاً در جوی رود آلودگی زمینهای بزرگ، شیر آب عمومی هم تعبیه شده است که بسبب جمعیت زیاد آلودگی زمینها کمتر بصرف مستقیم و بیشتر بصرف خوراکی میرسد. بچه ها زنده میباشند و بارها در خیابانها و اطراف ولو هستند و در میان خطرات ناشی از عبور وسایل نقلیه و در ازدحام رفت و آمد مردم "بازی" میکنند و گاهی اوقات هم برای تهیه "پول توجیبی" از بازیگران گه اشی میکنند. زنان آلودگی زمین هم برای کمک به خرج خانواده در منزل ساکنان خیابانهای اطراف کار میکنند.

البته تمام مهاجرین روستاها و آلودگی زمین نیستند و عده زیادی از آنها در رجا درهائی که دولت در نقاط مختلف تهران برای آنها تعبیه کرد زندگی میکنند! از جمله میتوان از جاده رشتیان میدان شوش نام برد که عده آنها تخمیناً به دو هزار نفر میرسد و یک خانوادگی کامل در درون یک جاده زندگی میکند. جاده اطراف زمین و خواب و آشیزخانه آنهاست. از کارگران راهکارانال زندگی میکنند و تاکنون چندین کودک که در کارگاهانال بازی میکردند در مقابل جبهان و جبهان ماد را خود بدوین کارنال افتاد و غرق شده اند و وضع زندگی جاده رشتیان اسف انگیز است و در مقابل آتش سوزی، برف و باران هیچ تأمین ندارند؛ در آنجا کوچکترین واقعه ناگواری به بزرگترین فاجعه تبدیل میشود. اکثر ساکنان جاده ها با فروش بلیط بخت آزمائی و دوره گردی و دستفروشی و شب پائی در کوچه های شمال شهر تهران و با بصورت کارگر ساختمان امرار معاش میکنند. البته دولت "تعمیر" گرفته است که آنها را در ساختمانها تکیه در کارگاهها ساخته است و مسکن در هدولی از آنجا تکیه کرد اخت قسط خانها از عهده جاده رشتینها خارج است، اکثریت ساختمانها

خالی است و فقط چند تائی از آنها بوسیله کارمندان کبار زمین پاسگاه محل جاده رشتینها زد و بند دارند و خریداری شده است. باز در از محل جاده رشتینها بسیار مشکل است زیرا محل جاده رشتینها بوسیله یک پاسگاه ژاندارمری به شدت کنترل میشود و از ورود افراد متفرقه به محوطه جاده رشتینها جلوگیری میشود. باز در هدولی های دستجمعی و در صورتیکه مجوز "قانونی" داشته باشند آزاد است.

وضع مسکن برای مستخدمین اداری و دولتی و خصوصی بهتر از این نیست، حقوق "آبرومندان" آنها در حدود ماهی هزار تومان است و با این پول نمیتوانند تنها اطاقی در جنوب شهر یا محلهائی هم طراز جنوب شهر تهران از قرار ماهی ۵۰۰ تومان آنها در رجوار اطاقهای دیگر کرایه کنند. هستند مالکانی که تقاضای ودیعه میکنند و در اینصورت مقدارد بعهده بنا بقطع مالک متصرف است. حال در نظر آورید اگر مستخدم زن و فرزند نیز داشته باشد، که اکثر آنها در هر او چه میکنند؟ البته برای کم درآمدترین قشر خود به روز و روزی نظیر فروشندگان دوره گرد و فصلی و اطاق با ماهی ۱۰۰ تومان هم در جنوب شهر پیدا میشوند، که در واقع اطاق نیست، لانه مرغ است.

وضع مسکن برای معلمین و حتی استادان دانشگاهها از وضعیت بهتری (اگر نگوئیم ممتاز) برخوردارند و نیز اسفناک است که زیرا آنها بر حسب موقعیت اجتماعی خود در آرایشمانهای مسکن میکنند که بیشتر از زمین، از حقوق آنها صرف اجاره خانه میشود و آنها تکیه آبرومان و یا احیاناً خانه شخصی دارند تا گردن در زمینها قرضهای طولی المد بانکهای وابسته به شاه از قبیل بانک رفائی، اکباتان و عمران قرار دارند.

وضع مواد غذایی از قبیل گوشت، ماهی، مرغ و تخم مرغ و قند و شکر و سبب زمینی و پیاز و نخود و لوبیا، برنج و... برای کسانی که تقاضای انقلابات تنها هان صادر کنند مواد غذایی بود اسفناکتر است. صفا و طولی که برای خرید گوشت، شکر، تخم مرغ و سایر مواد غذایی که در هنگام کمبود های دائمی و متناوب ایجاد میشود، در یگرها شده است. مقداری از این مواد صرفی را بصورت ضمیمه از هلند و آلمان وارد میکنند. گوشت را بیشتر بصورت منجمد از استرالیا و زلاند نو وارد میکنند و بیشتر گوشت هائی هستند که چندین سال (بقولی ۱۰ سال و یا بیشتر) در سردخانه های کشورهای نامبرده انبار شده اند و معمولاً از آنها بجای گوشت در همان کشورها استفاده میشود.

اکثر مغازه های قصابی گوشت منجمد میفروشند و مردم رغبت کثری به خرید آن نشان میدهند. گوشتهای تازه را به مغازه های بزرگ و مغازه های تعاونی تحویل میدهند و کسانی که مایل به خرید گوشت تازه باشند با آنجا هجوم میبرند؛ البته درازا خرید گوشت تازه، مجبورند مقداری گوشت یخ زده هم بخرند. قصابی تعریف میکرد که روزانه در حدود ۳

تا ۴ هزار تومان گوشت گاو و گوساله میفروخت و الا آن بدتی است که بیش از هزار تومان فروش ندارد زیرا از طرفی گوشت کثرتی بلوید همد و از طرف دیگر تقاضا برای گوشت منجمد بسیار کم است. او که در ایام فراوانی نسبی و بهترین مغازه خود را با مغز، پاچه، زبان و جگر و... تزئین میکرد مدتیست که به علت فقر آنها در بازار، با او راوی روزنامه ها و پتر خود را تزئین میکند. از طرفی دولت شاه که همیشه معلول را بجای علت میگردد، اینبار نیز با کمیل سگهای زنجیری خود بناها را بران کشتیران قیما و "کمپته" فاعز مصرف کنند. روزگار قصابها و دیگر کاسبها را سیاه کرده است. قصابی تعریف میکرد که روزی به علت ندان فاکتور بیک مشتری، که خرید اراک گوشت علاقه ای برگزین آنند دارند، او را

۵۰۰ تومان جریمه کردند و از آن پس بیرون های برایش درست کردند و از آنجا تکیه آمد رس مغازه اش در درون بیرونه ثبت شده است. هر ماه بدوین آنکه ماهی برای کنترل بیاید و احیاناً "خلافی" را کشف کند، طلب مرتب قبض جریمه ای مبلغ ۵۰۰ تومان برایش میفرستند. او تکیه گفت: "میخواهند مغازه ما را تعطیل کنند زیرا در حال توسعه مغازه های تعاونی و مغازه های بزرگ هستند." قصاب دیگری بزرگ و بیجه خود را که برای خرید لباس عید مغازه اش آمده بود بد بخانه فرستاد زیرا برای خرید لباس عید بیولنی در بساط نداشت! بزنامه ننکین "تعدن بزرگ" شاه روزی زندگی مردم را سیاه و عید آنها را نه عزای ملی تبدیل کرده است.

البته میتوان در تهران مغازه هائی یافت که تخصص آنها فروش گوشت تازه میباشد؛ نظیر فروشگاههای بزرگ (و نادری) موجود در تهران و فروشگاه گوشت ملاحظه را که در کارگاههای ونگ قرار ارد و انواع و اقسام پروتئین و گوشت گوساله، فرانسوی و گوسفند تازه ایرانی، استرالیائی، آراواتینی و نیز معروفترین لبنیات اروپائی را بیشتر از خود که اغلب از قشر مرفه میباشد، آنها هم راتب گرانتر از قیمت رسمی عرضه میکنند؛ در واقع تنها اقلیت بسیار کوچکی از ایرانیان میتوانند با صرف مبالغ هنگفتی از مسکن مناسب، گوشت تازه، میوه های سالم و در نتیجه حداقل وسایل زیست مناسب برخوردار شوند.

کیبود و گرانی مواد غذایی بویژه زندگی فقیرترین طبقات و قشرها و جامعه را سنگینتر کرده است؛ ناها را کارگران را طبق معمول همیشه نان و پنیر، نان و چائی و یا نان و نوشابه تشکیل میدهد. کارگرانیکه جمعه مایل بخورند، نری باشند به قهوه خانه هائی که بزی میدهند ترا میکنند و هر دو و یا نه نفر با شرکت هم یک ظرفی بزی میخورند. این بزی از مقدار بسیار کمی گوشت و مقداری از بیاض و تخم مرغ و پنیر میشود. در نتیجه تقسیم بزی به هر نفر از شرکا مقداری آب بزی میرسد؛ ولی کارگر قهوه خانه که بایک کتری آبجوش در قهوه خانه میبرد بطرف هر کارگری که مایل باشد مقداری آبجوش اضافه میکند تا آب بزی او زیاد تر شود. یعنی در واقع خوراک کارگران در اینگونه مواقع چیزی جز نان و آبجوش رنگی نیست؛ کیبود مواد غذایی آنقدر رشد ید است که کشتی کشتی مواد غذایی از قبیل سبب زمینی، پیاز، قند و شکر و برنج، گندم، تخم مرغ، گوشت، لبنیات، برتقال، نارنگی، سیب، موز و انواع دیگر میوه از کشورهای مختلف دنیا از هلند و عثمان، پاکستان، استرالیا، ایالات متحده آمریکا، زلاند نو، اسپانیا، کشورهای اروپائی غربی و شرقی، مراکش، اردن، اسرائیل، لبنان و...

وارد کشور میشود و با در نظر گرفتن ظرفیت بندرهای جنوب کشور، تعد اد انبارها و نیز محظلی کشتیها برای تخلیه بار، همیشه مقدار هنگفتی از محصولات وارد اشی در کشتیها و یا در اسکله ها میبوسد و از بین میرود.

کیبود مواد غذایی حتی در انگلیز حیوانات اهلی نیز رشد است و دولت شاه مزد و راز خارج غلوه وارد میکند. در این میان کیفیت مواد غذایی در این هرج و مرج کیبود و گرانی، در دست سودجویان و وسیله های شدت نابشتر مشتریان خود را بجایند؛ مثلاً میوه فروشها و نوع میوه مشتریان عرضه میکنند: نوع نامرغوب میوه که در سترنر همگان قرار ارد؛ این نوع میوه نیز به از لک و کهنه است و بقیه رسمی فروخته میشود و نوع مرغوب میوه که فقط مشتریان شناخته شده میبولد عرضه میکنند، آنها هم بجای گرانتر از نرخ رسمی.

صعود قیمتها و کیبود دائمی مواد غذایی موضع بد مسکن و نیاز بتأمین حداقل مایحتاج زندگی، فساد و رشو و خورای و ارد دستگاه های دولتی بطرز وحشتناکی رواج داده است و هر صاحب منصبی و یا دربان اداری و چشم بدست ارباب رجوع میدوزد تا از راه پول چائی کیبود های زندگی خود را جبران کند و در نتیجه ارباب رجوع برای انجام کوچکترین کاری باید "سز کیسه" بقیه در صفحه ۳

شعله... بقیه از صفحه ۱ مجدداً تحصیل گشته است. و آنگاه هدف خود را چنین توصیف میکند: "استقلال جمهوری و مکرانیک". شرکت کنندگان چهار جوب سیاست اجتماعی و اقتصاد را تعیین کردند که ملی کردن ذخائر زیر زمینی، بر نامه های گوناگون در زمینه مد ارس و بهداشت و تجدید حقوق مهاجرین را در بر میگیرد. در زمینه سازمانی چنین اظهار داشتند: "توده های خلق سازگان واقعی انقلاب اند و پولیزارو تنها سازمان واقعی است که مبارزه را پیش میرود".

مبارزه خلق صحرا علیه ست ملی مبارزه ای است عادلانه، زیرا همه خلقها چه کوچک و چه بزرگ بحق اند که مستقل و آزاد زندگی کنند و ادعا در باره سرنوشت خویش تصمیم بگیرند و برای نیل باین منظور و مواجبه با مشکلات و موانع اسلحه بکف گیرند و علیه مستکمران ملی برای برهائی و استقلال بیکار نکنند.

فرانکو فاشیست بود ولی میراث استعمار فرانکسیم در صحرا باقی است، مراکش و موریتانی در روزها و اربز نفوذ امپریالیستهای آمریکائی و فرانسوی گشودند و خلق صحرا را از نعمت آزادی و بحق تعیین سرنوشت خویش محروم کردند و رقیب و بند نوینی گرفتار کردند. با این وسیله جدید خلق صحرا باید در وجه برزده و بان و دشمن روبروست. هدف این تقسیم صرف نظر از حفظ منافع انحصارات امپریالیستی و تضعیف مبارزه خلق صحرا و سرکوب آن توسط نیروهای مراکشی نیز بود زیرا از این پس تمام جنایت مرتجعین موریتانی و مراکشی در زیر پوشش "اموزن اخلی" بانجام میرسد. مبارزه ای که در صحرا در گرفته، مبارزه ای علیه امپریالیسم و ارتجاع جهانی، مبارزه آزاد بیخش برای آزادی و استقلال ملی خلق صحراست و باید از جانب کلیه نیروهای شرقی جهان پشتیبانی شود. در حالیکه مارکسیست - لنینیست های اسپانیا از قرض بجهت برای سرکوبی خلق صحرا سر باز میزدند و همسنگین الفلی خویش را عرضه میداشتند و روزیونیستهای مرتد مراکشی از الحاق صحرا به مراکش قناع کردند و از تجاوز سلطان حسن دوم اظهار شادمانی نمودند. و داه "سلطه" شوم امپریالیسم آمریکا را که در ریس برجم "مارش سبز" مراکش بصر اینها شده بود، خوش آمد گفتند و باین امید که اجازه بایند نقت. "پوزیسون اعلی حضرت" را در مراکش ایفا نمایند. تا اید تجاوز و اداه استعمار از جانب روزیونیستهای مراکشی بارد بگوشان میدهد که مبارزه علیه امپریالیسم و ارتجاع از مبارزه علیه روزیونیسم و سوسیال امپریالیسم جدا نیست. سوسیال امپریالیسم که تا دیروز بنجوا های مسالمت آمیز، منع مبارزه، مسلح و اموظه میکرد، امروزه نفوذ مزورانه در جنبشها را که برای آزادی و استقلال خویش برخاسته اند برگزیده است. آنچه برای سوسیال امپریالیسم شوروی مطرح نیست، آزادی و استقلال خلقهاست ولی هیچگاه امید خویش را برای فریب مردم از دست نمیدهد و میگوید ریاکارانه از کینه و نفرت توده های خلق علیه حکومت های فاشیستی و دست نشاند "امپریالیسم که به جاه و ممانعت از توسعه، منطقه" نفوذ سوسیال امپریالیسم در آمده اند برای بزی نفوذ در آوردن جنبشها و انحراف و تغییر ماهیت آنها به خدا اکثر استفاده نماید. خلقهای ایران که باین سیاست ریاکارانه شوروی واقف اند از مبارزه ملی جبهه "پولیزارو" که برای پایان دادن به سلطه مراکش و موریتانی که عوامل امپریالیسم اند، حمایت مینمایند و این مبارزه را مبارزه ای برای حق تعیین سرنوشت خلق صحرا، برای استقلال ملی و انقلاب اجتماعی از زبان میکنند. گرچه جبهه دست من تغییر کرد ولی ماهیت و جهت مبارزه خلق صحرا دستخوش تغییری نگشته است و آزادی و استقلال ملی عنوز در دستور کار نیروهای انقلابی صحرا است.

بنیروی خود از طریق مبارزه مسلحانه طولانی استقرار جمهوری و مکرانیک". شرکت کنندگان چهار جوب سیاست اجتماعی و اقتصاد را تعیین کردند که ملی کردن ذخائر زیر زمینی، بر نامه های گوناگون در زمینه مد ارس و بهداشت و تجدید حقوق مهاجرین را در بر میگیرد. در زمینه سازمانی چنین اظهار داشتند: "توده های خلق سازگان واقعی انقلاب اند و پولیزارو تنها سازمان واقعی است که مبارزه را پیش میرود". مبارزه خلق صحرا علیه ست ملی مبارزه ای است عادلانه، زیرا همه خلقها چه کوچک و چه بزرگ بحق اند که مستقل و آزاد زندگی کنند و ادعا در باره سرنوشت خویش تصمیم بگیرند و برای نیل باین منظور و مواجبه با مشکلات و موانع اسلحه بکف گیرند و علیه مستکمران ملی برای برهائی و استقلال بیکار نکنند. فرانکو فاشیست بود ولی میراث استعمار فرانکسیم در صحرا باقی است، مراکش و موریتانی در روزها و اربز نفوذ امپریالیستهای آمریکائی و فرانسوی گشودند و خلق صحرا را از نعمت آزادی و بحق تعیین سرنوشت خویش محروم کردند و رقیب و بند نوینی گرفتار کردند. با این وسیله جدید خلق صحرا باید در وجه برزده و بان و دشمن روبروست. هدف این تقسیم صرف نظر از حفظ منافع انحصارات امپریالیستی و تضعیف مبارزه خلق صحرا و سرکوب آن توسط نیروهای مراکشی نیز بود زیرا از این پس تمام جنایت مرتجعین موریتانی و مراکشی در زیر پوشش "اموزن اخلی" بانجام میرسد. مبارزه ای که در صحرا در گرفته، مبارزه ای علیه امپریالیسم و ارتجاع جهانی، مبارزه آزاد بیخش برای آزادی و استقلال ملی خلق صحراست و باید از جانب کلیه نیروهای شرقی جهان پشتیبانی شود. در حالیکه مارکسیست - لنینیست های اسپانیا از قرض بجهت برای سرکوبی خلق صحرا سر باز میزدند و همسنگین الفلی خویش را عرضه میداشتند و روزیونیستهای مرتد مراکشی از الحاق صحرا به مراکش قناع کردند و از تجاوز سلطان حسن دوم اظهار شادمانی نمودند. و داه "سلطه" شوم امپریالیسم آمریکا را که در ریس برجم "مارش سبز" مراکش بصر اینها شده بود، خوش آمد گفتند و باین امید که اجازه بایند نقت. "پوزیسون اعلی حضرت" را در مراکش ایفا نمایند. تا اید تجاوز و اداه استعمار از جانب روزیونیستهای مراکشی بارد بگوشان میدهد که مبارزه علیه امپریالیسم و ارتجاع از مبارزه علیه روزیونیسم و سوسیال امپریالیسم جدا نیست. سوسیال امپریالیسم که تا دیروز بنجوا های مسالمت آمیز، منع مبارزه، مسلح و اموظه میکرد، امروزه نفوذ مزورانه در جنبشها را که برای آزادی و استقلال خویش برخاسته اند برگزیده است. آنچه برای سوسیال امپریالیسم شوروی مطرح نیست، آزادی و استقلال خلقهاست ولی هیچگاه امید خویش را برای فریب مردم از دست نمیدهد و میگوید ریاکارانه از کینه و نفرت توده های خلق علیه حکومت های فاشیستی و دست نشاند "امپریالیسم که به جاه و ممانعت از توسعه، منطقه" نفوذ سوسیال امپریالیسم در آمده اند برای بزی نفوذ در آوردن جنبشها و انحراف و تغییر ماهیت آنها به خدا اکثر استفاده نماید. خلقهای ایران که باین سیاست ریاکارانه شوروی واقف اند از مبارزه ملی جبهه "پولیزارو" که برای پایان دادن به سلطه مراکش و موریتانی که عوامل امپریالیسم اند، حمایت مینمایند و این مبارزه را مبارزه ای برای حق تعیین سرنوشت خلق صحرا، برای استقلال ملی و انقلاب اجتماعی از زبان میکنند. گرچه جبهه دست من تغییر کرد ولی ماهیت و جهت مبارزه خلق صحرا دستخوش تغییری نگشته است و آزادی و استقلال ملی عنوز در دستور کار نیروهای انقلابی صحرا است.

نشست مشترک

حزب کمونیست اسپانیا (مارکسیست لنینیست) و سازمان مارکسیستی لنینیستی توفان

در اواخر آوریل نشست مشترکی مابین هیئت‌های نمایندگی سازمان مارکسیستی لنینیستی توفان و حزب کمونیست اسپانیا (مارکسیست لنینیست) با شرکت دبیر اول حزب کمونیست اسپانیا (مارکسیست لنینیست) رفیق مارکو صورت گرفت. در این نشست مشترک دو هیئت نمایندگان در محیطی گرم و برادرانه که نشانه انترناسیونالیسم پرولتری بود در موارد مختلف تبادل نظر کردند. هر دو هیئت نمایندگی یکبار دیگر بر روی کلیه‌های متقابل و پشتیبانی بی قید و شرط از مبارزات حزب کمونیست اسپانیا (مارکسیست لنینیست) و سازمان مارکسیستی لنینیستی توفان در مقیاس ملی و بین‌المللی تاکید کرد. مورد رکنه، موارد مطروحه توافق کامل داشتند.

انقلاب ... بقیه از صفحه ۴

است و این دو کراسی در خدمت کیست. لنین خاطر نشان میسازد: "بورژوازی، علاقه مند است و باید خصالت بورژوازی دموکراسی کثونی را از خلق پنهان دارد و آنرا با تهاجم برای همه دموکراسی ناب بنمایاند. شاید من عا و نیز کاتونسکی‌ها بانکران در واقع موضع پرولتاریا را میسازند و موضع بورژوازی بی‌بیوندند". لنین در برابر روش بورژوازی کاتونسکی در رزمی انقلابی پرولتاریائی در ورنسای خائنین کردن دیکتاتوری پرولتاریائی را (حتی اگر این دیکتاتوری مشابه "دموکراتیکترین جمهوری" معرفی شود) با دیکتاتوری پرولتاریا قرار میدهد. از زمان این ارزیابی لنین سالها سپری شده است. حوادثی که از آن زمان تاکنون بوقوع پیوسته منتهی شده‌اند که "دموکراسی ناب" و "کراسی برای همه" روشی بیش نیست. این نوع دموکراسی خود یک شکل دیکتاتوری است که بورژوازی تازمانی که بدان نیازمند است آنرا حفظ میکند. بعضی آنکه منافع او ایجاد کرد با شکال دیگر اشکال حیوانی ترقی‌پرورتر و رکنه آنرا بدو خواهد افزود. حوادث خونین اند و نزی بعد اشلیلی بار دیگر بطبقه کارگر و به نودهای وسیع زحمتکش این کشورها و نیز پرولتاریای جهان نشان داد که قانونیت بورژوازی و نیز دموکراسی بورژوازی مانعی بر سر راه پرولتاریائی نیست که چنانچه منافعش ایجاد کرد به استقرار دیکتاتوری فاشیستی. پر از دموکراسی و مبارزه آزاد بیخ پرولتاریا و نودهای وسیع زحمتکش را در خون غرق سازد.

در زیر تو آموزش‌های لنین در ربروتولیل ماتریالیستی-دیالکتیکی وضع در کشورهای سرمایه‌داری ریزینو نیست که استن انقلاب است روشن است گمراهی "گذاره سوسیالیسم" از طریق "سابقه اقتصادی" که ریزینو نیست‌های شوروی موعظه میکنند. از طریق "مصلحه تاریخی" که ریزینو نیست‌های ایالتیائی تبلیغ میکنند. از طریق "بسط آزاد بها و دموکراسی" بورژوازی ریزینو نیست‌های فرانسه راه‌های خائنین به انقلاب پرولتاریائی و خائنین به مارکسیسم - لنینیسم و راه‌های تسلیم کامل در برابر سلطه سرمایه‌داری است.

لنین تئوری انقلاب و دیکتاتوری پرولتاریا و نیز مسائل مهم دیگر تئوری و پراکتیک انقلابی را در مبارزه علیه افغان آشکار و نقابدار سرمایه‌داری تدوین کرد. تکامل بخشید. لنین خاطر نشان میگرد که "یکانه شی مارکسیست در جنبش کارگری جهانی" عبارت است از اینکه "به نودها احتیاج ضروری و گریزناپذیر بر بردن از اپوزیتوئیسم را توضیح دهد و آنها را در یک بیکار بیرحمانه علیه اپوزیتوئیسم برای انقلاب تربیت کند". حزب کار آلبانی فعالیت خود را بر سفت لنینی افشا. دشمنان ریزینو نیست مارکسیسم و مبارزه آشتی ناپذیر با آنها بنا کرده است. در کنگره هفتم خود نیز بر اساس همین سنت عمل کرده است. رفیق انور خوجه در گزارش خود در این کنگره تمام اشکال ریزینو نیست امروز را از ضد کمونیسم آشکار مارکوزه و کارودی گرفته تا ریزینو نیست برلینر، مارش و گاریلیو از سوسیالیسم در ریزینو نیست‌های شوروی گرفته تا سوسیال دروغین ریزینو نیست‌های یوگسلاوی یکی پس از دیگری افشا کرده است. او خطر بزرگی را که ریزینو نیست مدرن برای زندگی خلقها و برای آزادی سوسیالیسم در جهان در بر دارد نشان داد. مبارزه با ریزینو نیست شرط لازم پیروزی انقلاب سوسیالیستی و استقرار دیکتاتوری پرولتاریا بوده است و میباید.

طی بیش از یک قرن از زمانیکه از مارکس سخن میمان آمد و مارکس زاده شد است بله امر تجدین و ریزینو نیست‌ها سوسیالیسم را "مفن شده" اعلام کردند و اکنون باجه قوی ادعا میکنند که "امروز دیکتاتوری پرولتاریا ضروری نیست" و "سرمایه‌داری دیگر آن نیست که قبلا بوده است" و "سرمایه‌داری توانسته است آنچنان نیروی در خود بیاید که از بحران بیرون آید!". بارها مارکسیسم لنینیسم "کهنه" اعلام شد که "دکترین‌های خلاق دیگر" آنرا پشت سرگارد دارند. دکترین‌هایی که گویا پاسخگوی شرایط جدیدند. اما تکامل دیالکتیک تاریخ بقسمی است که دشمنان مارکسیسم ناکام گشته و از صحنه بیرون شده‌اند و آنها که مارکسیسم حمله برد دارند بدست فراموشی سپرده شده‌اند و هیچکس از آنها (اگر نه بیدی) یاد نمیکنند در حالیکه امر پرولتاریا و انقلاب نیرومند تر و سرزنده تر گردیده است.

وضع کثونی جهان معشوش است. مشکل واقعی این وضع وخیم سیاست و عمل بورژوازی امپریالیست بویزه بورژوازی امپریالیست دوا بر قدرت است. مشکلات و موانع مبارزه طبقاتی پرولتاریا بی‌حساب است. از لایه‌های همین مشکلات و موانع است که انقلاب سوسیالیستی پیش میروند و مبارزه آزاد بیخ خلقها رشد می‌یابد. "انقلاب سوسیالیستی و دیکتاتوری پرولتاریا ضرورت تاریخی اند. هیچ نیروی نیست که بتواند از تحقق آنها جلوگیری کند" (انور خوجه: گزارش بکنگره هفتم). با این ایقان و اعتماد است که پرولتاریا اکنون در سنگرهای مبارزه طبقاتی و انقلاب میزند و میرزد.

واقعیت ... بقیه از صفحه ۴

راشل کند "و گرنه کار - هایش متوقف میشود. برای تامین مخارج سرسام آور زندگی، مستخدم، کارمند، معلم و استاد روزانه رزقند محل و تا ۱۶ ساعت در روز کار میکنند. استادان دانشگاهها با هوا میباید دانشگاهها را بچند - شاپور، تیریزیا و اشکده‌های اراک، سمنان، بابل، سرسره و ... میروند و تدریس میکنند و حق التدریس میگیرند. اکثر کارمندان معلمان و مستخدمین بزرگت پولی پس انداز میکنند و اتو موبیلی یا وانت باری میخرند و با سافر کشی و بار کشی در ساعات غیر اداری و احتی اداری، مخارج زندگی خود را تامین میکنند. کارگران در موسسات خصوصی و دولتی، تدریس در دبیرستانهای مختلف یا موسسات فرهنگی، در دوره‌های شبانه دبیرستان و دانشگاه، از جمله امکانات متنوع دیگری برای کسب درآمد بیشتر مییابند. کار زیاد برای درآمد بیشتر و صعود سریع قیبتها، احتکار و قیحا مواد مختلف زندگی بمنظور ایجاد بازار سیاه و کرافروشی، کمبود اتمو مایحتاج اولیه و اعصاب مردم را خورده است. مردم در یک حالت عصبانیت و تشنج دائمی بسر میبرند و در اثر کوچکترین حرکت مخالفی، کنترل اعصاب خود را از دست میدهند. علاوه بر مسایل فوق، مشکل ترافیک تهران نیز مشکلات لاینحل مردم افزود است.

"طی ... بقیه از صفحه ۴ بازار و اشکان بر شد در آمد این تغییر لازم بود. برای آمد خود داری کند. نوم آنکه پس از صدور پروانه حفراه کار حفاری راه حفارانی که از طرف اداره آبیاری بعنوان معتمد اداره آبیاری معرفی میشوند بسرند. در صورتیکه دهقانان خودشان به حفراه ببرند از نودها حفاران خود اعتماد خود را فراخوانند و با ارزیابی هزینه ببرند از نودها پروانه حفراه جاه لغو شده و وام پرداخت نمیشود. زیرا وام بانک کشاورزی زیر نظارت کارشناسان بانک و با صوابدید اداره آبیاری، مرحله مرحله و بموازات پیشرفت کار حفاری پرداخت میشود. روشن است که حفاران با اداره آبیاری زد و بند دارند و بیرحمانه دهقانان میان حال را میچاپند. مثلا در همین ده علمشیر و یاسایر دهات شمال ایران یک جاه ۲۵ متری به قطر یک متر آنهم جاه کلاهی (ساخته شده از سیمان) حدودا پنج هزار تومان هزینه بر میدارد. در صورتیکه کارشناس اداره آبیاری یک جاه ۲۵ متری و با قطر ۲۵ سانتیمتر - آنهم نه سیمانی - ۲۵ هزار تومان هزینه بر آورد میکند. البته بر آن هزینه موتور و پمپا نیز بایستی افزودند کرد. پس از تمام این مکافات با بار سنگین بهره‌ و وام است که بر دوش دهقان بی نواستگینی میکند. وامی که بانک کشاورزی پرداخت میکند با ۷ درصد بهره که بهره یکسال آن از بیست کمر شده سالیانه بصورت اصل و فرع باز پس گرفته میشود. دهقانان آنقدر تلاش میکنند تا بهره وامهای خود را ببرند از نودها سنگینی وامها افزایش سرسام آور هزینه‌ها دهقانان را بسرعت روبه فقر و محنت شدید تر میبرد و بهره‌دهی کشاورزی را هر روز نقصان میدهد. در دهقانان این گرایش که زمینها را رها کرده و عاطل بگردانند دامن میگرد. از آن گذشته دهقانانی که قدرت و توانائی پرداخت بوقوع وامها و بهره‌های آنها ندارند شب و روز در بیم هجوم دولت و تصاحب زمینها بسر میبرند. هم اکنون در ده پهنو در اطراف حویار شاه‌هی زمینهای رها شده، بسیاری چشم میخورند. اینها همه حاصل فشار توان فرسائی است که از همه جانب بد دهقانان وارد میشود. حفراه که ارتزاق جدیدی برای لایه و قشر خاصی از مقامات ادارات و حفاران است، بدست دیگری است که بدست و پای دهقانان زده شده تا بدینوسیله آخرین رمق از آنها گرفته شود.

"طی ... شدن مراتع نیز دست داند از آنرا از مراتع کوتاه کرده است و داند آری و در نتیجه محصولات و صنایع وابسته بآن رفته رفته از زمین بیرون. رشد سریع سرمایه‌داری وابسته سرمایه‌داری آن پرولتاریا زمینهای زمینها را بطور سرسام آوری افزود است. کمبود شدیدی در مواد غذایی، کمبود و گرانی مسکن، صعود سریع قیمتها، فقرات منابع ملی، فقر و زحمت و وابستگی بیچون و چرا با امپریالیستها، طرازنامه پنج سال حیات سلسله پهلوی را تشکیل میدهند. این رژیم و با رژیم پنج سال حیات کثیف خود ثابت کرده است که هیچگاه قدسی در راه منافع مردم برنمیدارد. زیرا که منافع استثمارگران و استثمارشدگان هیچگاه یکسان نیست. برعکس هر قانونیکه توسط رژیم شاه تصویب شود و یا هر نوع اصلاحاتی که بدست این رژیم صادر شود، مستقیما بر علیه منافع توده‌های وسیع مردم، بویژه دهقانان و کارگران، و بمنظور حراست و تامین منافع امپریالیستها و در رأس آنها امپریالیسم آمریکا است. رهایی از تضادهای لاینحل اجتماعی، احیا، کشاورزی و ایجاد صنایع ملی و تامین حداقل وسایل زندگی برای خلقهای زحمتکش ایران تنها در گرو نابودی رژیم دست نشانده شاه و اربابان امپریالیست او و پیروزی انقلاب راستین خلقهای ایران است! انقلابی که رسالت آن بر عهد زحمتکشان و در پیشاپیش آنها طبقه کارگر و حزب پر افتخار آنست.

ساعتها طول میکشد تا بتوان از یک نقطه تهران بنقطه دیگر رفت. کمبود مصنوعی پارکینگ در تهران برفع دولت تمام میشود و هر روز صالح هنگفتی بعنوان جریمه بجهت دولت و رشکسته شاه سرانیز میکند و بدین طریق قسمتی از کمبود هنگفت بودجه دولت را جبران میکند. برای اینکار شهرداری تعدد زیاد یزنان را آموزش داده است و کار آنها فقط و فقط جریمه کردن رانندگان تهران است. در ایران ضرب المثلی میگوید: "انقلاب سفید زندگی مردم را سیاه کرده است" این ضرب المثل از واقعیت تلخ زندگی ما سرچشمه میگردد زیرا مشکلات لاینحل اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی جامعه ما که در اصل زائده رژیم پوسیده پهلوی است، بدنیال اصلاحات امپریالیستی "انقلاب سفید" بطور زحمتناکی گسترش پیدا کرده است و بدنیال خود توده‌های ملیونین زحمتکش شهر و روستا و نیز خرد بورژوازی شهرها را به گرداب آوارگی و فقر و اسارت کشانده است. دهقانانیکه در اصلاحات ارضی صاحب زمین شده بودند و بعلمت نامرتعی زمینهای تقسیمشدن مویا بسبب فقر مالی و عدم امکان سرمایه‌گذاری و رقابت محصولات خارجی و نیز هزار و یک مشکل دیگر که همواره از گوشه و کنار زندگی دهقانان ظاهر میشود، زمینهای خود را ترک میکنند و باید کسب درآمد بیشتر را میسر مییابند و زیر بار بکنده آنها "کشاورزی دیگر مقرون بصرفه نیست".

عنوان مکاتبات  
X.DR.GIOVANNA GRONDA  
87030 ARCAVACATA (CS) ITALY  
حساب بانکی  
X.DR.GIOVANNA GRONDA  
CONTO: 17549/11  
CREDITO ITALIANO AGENZIA 16  
MILANO/ITALY

احیا، حزب طبقه کارگر مرحله نوینی در مبارزات خلق‌های ایران خواهد گشود

